

بررسی مختصر قسمتی از فلسفه و نظام  
آموزش و پرورش اسلامی  
ماهیت آموزش و پرورش  
اسلامی

- ۲ -

تعریف آموزش اسلامی : ابتدا باید یادآوری شود که اصولاً آموزش بطور کلی تقریباً غیر قابل تعریف است آموزش مانند: دین ، شعر (۱) و فرهنگ از امور است که بخاطر وسعت دایره حکومت آن تاکنون بطور جامع و مانعی تعریف نشده است آنچه در آموزش بیان شده است تنها اشاره به بعضی نکات آموزشی است (۲) .

تعلیم و تربیت بطور کلی عبارت از تلقین يك سلسله مطالب از طرف معلم یا وادار کردن بفرآ گرفتن يك سلسله تئوری و حفظ و تکرار آنها نیست . این يك نوع تقلید است . تعلیم در اصل بمعنی انتقال انسان (فرد یا جامعه) از حالت جهل به حالت دانائی با آنچه که انسان می آموزد يك مرحله از سیر جهل به علم را می پیماید و بدین ترتیب تعلیم تغییر است معنوی از حالتی بحالت دیگر بطوریکه تجزیه این حالت نفسانی از انسان عالم امکان پذیر نباشد . بلکه موجب استقلال فکری و بوجود آوردن قدرت درک مسائل مربوط باشد ، بطوری که با بکار بردن آنچه می داند به آنچه نمی داند پی برد و این مسئله است که اختصاص به انسان دارد و حیوانات نمی توانند این قدرت و بلکه اجتهاد درک و

1- N. Mickleminrebgion p.۵. (Homeclniu ersity 1948

2- W.Lester Smiths ducation p . Z . ( G . B . 1969 )

استنباط را بدست آورند ، آنچه حیوانات می توانند کسب کنند تقلید و حکایت است (۱) .

و چون آموزش طبعاً

۱ - جریان مداوم و مستمر (۲)

۲ - امرزنده و رشد کننده (۳)

۳ - امر مرکب همه جانبه ، کلی و عمومی که شامل تمام جنبه های زندگی يك فرد و جامعه است (۴)

۴ - امری مرتبط با تمام جنبه های دیگر حیات فردی و اجتماعی است (۵) .

۵ - عامل حفظ و نقل و انتقال از يك طرف و تجدید و مدرن نمودن مجموع فرهنگ و تمدن و کلیه (۶) جنبه های دیگر مادی و معنوی فردی و اجتماعی زندگی است ، می توان سیستم آموزش و پرورش اسلامی را ترکیب کلی و نتیجه اختلاط عمومی آموزش جوامع مختلف اسلامی (۷) درازمنه و امکانمند مختلف دانست و نه فقط آنچه در بدو ظهور اسلام مستقلاً و مستقیماً توسط اسلام پدید آمد . (۸)

به هر صورت آموزش و پرورش اسلامی عبارتست از مجموع مواد ، دستورات ، مسائل آموزشی و فرهنگ و معارفی که یا مستقیماً توسط اسلام تأسیس و یا تأیید شده و یا بطور غیر مستقیم بخاطر تفکرات اسلامی بوجود آمده و رشد نموده است . با این ترتیب با وجودی که سیستم آموزش و پرورش اسلام میتواند در مواردی با سیستم های آموزش کشورهای اسلامی متفاوت یا حتی متضاد باشد

۱ - ندوة المحاضرات ، کیف تربی و کیف نعلم ، رابطة العالم الاسلامی

الشیخ محمد المجدوب .

2 - Continious

3 - Living Of ganism

4 - Enclusuie

5 - Structune

6 - See . W Mallinson . Companatue-  
ducation (G . B . 1966)

7 - Religious Instruction ( R . y )

۸ - لازم است توجه شود مقصود و محدود و منحصر نبودن آموزش اسلامی

در آموزشهای دینی است .

ولی بعلت وسعت دایره حکومت و تعریف آموزش و پرورش قسمتهای زیادی از سیستمهای آموزشی کشورهای اسلامی را نیز می توان جزء سیستم آموزشی اسلامی بشمار آورد (این نکته براساس توجه به روش جامعه شناسی است) در اینجا باید آموزش و پرورش اسلامی از آموزش دینی اسلامی کاملاً تفکیک شود و چون خوشبختانه در اسلام آموزش مذهبی و دینی از آموزش کلی تجزیه شده و اسلام آموزش کلی عمومی را امضاء و تأسیس کرده تجزیه و تحلیل این نکته چندان مشکل نیست.

از آنجا که ماهیت آموزش و پرورش مرکب، شامل همه جانبه و مرتبط است. شناخت آموزش و پرورش و فلسفه آن بستگی کامل بشناخت فلسفه کلی تفکرات سیاسی و اجتماعی دین و جامعه ای دارد که آموزش و پرورش در آن وجود دارد. این نکته به آموزش و پرورش اسلامی نیز صادق است؛ شناخت آموزش و پرورش اسلامی بدون شناخت فلسفه اسلامی و مبانی فلسفی آموزش و پرورش اسلامی امکان ندارد. و چون در این مقاله فرصت بررسی مفصل فلسفه اسلامی نیست تنها مبانی فلسفی آموزش و پرورش اسلامی باختصار بررسی می گردد.

اصول و مبانی فلسفه اسلامی که در آموزش و پرورش اسلامی تأثیر گذارده است:

۱- اولین اصل مهم فلسفی اسلامی که در تعلیم و تربیت اسلامی اثر فراوان گذارده است. عبارت است از نظر اسلام نسبت به انسان. انسان در اسلام شریف ترین و بالاترین و لایق ترین مخلوقات است و از آن در قرآن مکرراً با احترام یاد شده است و احسن مخلوقات شناخته شده است و لقد کر منابنی آدم ... و فضلنا علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً (۱)

و لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم، (۲) روح انسان از روح خدامشتم است «و نفخت فیهم من روحی (۳)» و سجوده لائیکه است و موجودی معنوی روحی و بی نهایت است.

(۱) قرآن سوره ۱۷ آیه ۷۲

(۲) سوره ۹۵ آیه ۴

(۳) سوره ۱۵ آیه ۲۹ و سوره ۱۸ آیه ۲۸ و سوره ۴ آیه ۱

طبق منابع فلسفی و عرفانی اسلامی و متون دینی فراوان انسان می تواند بر کلیه موجودات حتی فرشتگان برتری جوید ، اگر انسان از عقل خود پیروی کند از ملائکه نیز برتر است و باین جهت مسجود آنهاست (۱).

جلال الدین این نکته را به ترتیب ذیل بیان می کند: ان الله خلق الملائکه و رکب فیهم العقل و خلق البهائم و رکب فیها الشهوه و خلق بنی آدم و رکب فیهم العقل و الشهوه فمن غلب علی شهوته فهو اعلی من الملائکه و من غلب شهوته علی عقله فهو ادنی من البهائم و این مطلب را در یک مثنوی تشریح می کند .

در حدیث آمد که یزدان هجید      خلق عالم را سه گونه آفرید .

یک گروه را جمله عقل و علم وجود      آن فرشته است و نداند جز سجود

تا آخر مثنوی مولوی (۲)

با این ترتیب آموزش و پرورش اسلامی در واقع تربیت عقل است و با شرافت ذاتی و کرامت اصلی که در انسان وجود دارد تعلیم و تربیت آن مشکل نیست چون استعداد و لیاقت بی نهایت نیل به مقامات عالیه عقلانی و معنوی را (در اثر تعلیم و تربیت) دارد .

در این نکته فلسفه آموزش اسلامی با فلسفه سیستمهای آموزش و پرورش مادی غربی کاملاً تفاوت دارد .

۲ - دومین اصل مهم فلسفی اسلامی که در سیستم آموزش و پرورش آن اثر گذارده است توجه آن به این نکته است که انسان از جسم و روح و عقل ترکیب یافته است .

انسان در جسم با حیوانات دیگر مشترك است ولی روح و روح خدائی است و عقل نیز مخصوص انسان است .

انسان بخاطر داشتن روح الهی و عقل قابلیت تعلیم و تربیت دارد - می تواند به مدارج عالی صعود کند (۳) .

من ملک بودم و فردوس برین جایم بود      آدم آورد در این دیر خراب آبادم (۴)

(۱) سوره بقره آیه ۳۲

(۲) مثنوی مولوی ص ۳۶۳ چاپ علاءالدوله ۱۲۹۹

۳ - برای بررسی بیشتر این مطلب رجوع شود به بحث ترکیب انسان

از جسم و جان و عقل از کتاب التریبیه الاسلامیه تألیف محمد قطب (چاپ مصر)

۴ - دیوان شمس الدین حافظ .

۳ - سومین اصل حسن فطرت و طبیعت انسان است در اسلام. اسلام معتقد است که کودکان فطرتاً پاک و معصوم آفریده شده اند و مسلماً شقی متولد نشده اند و کل مولود یولد علی الفطرة، (۱) اهمیت این اصل با مقایسه با نظریه مسیحیت در مورد انسان بهتر روشن می شود: در مسیحیت اصل بر آن است که انسان ذاتاً و فطرتاً گناهکار و شقی است و خمیره اصلی انسان در گناه است. طبق این اصل اسلامی مجبلاً چون انسان فطرتاً معصوم، پاک و شایسته است قابلیت تعلیم و تربیت در او به حد اعلی وجود دارد.

جهان غرب که آموزش و پرورش آن تحت تأثیر تعلیمات و تفکرات مسیحیت است تنها پس از آن زاک روسو در اصل گناهکار بودن کودک و انسان تشکیک کرد و هنوز هم تا حدود زیادی سیستم آموزش و پرورش غربی تحت تأثیر این اصل است (۲)

۴ - تأثیر و تأثر متقابل جسم و جان در روح :

انسان ترکیبی است از جسم و جان و عقل بنا بر این هر یک از این سه در دیگری تأثیر متقابل دارد. عقل سلیم در بدن سلیم است و برعکس و به این ترتیب بین آموزش و پرورش رابطه مستقیم وجود دارد و سلامت یکی بدون سلامت دیگری امکان پذیر نیست و آموزش و پرورش برای زندگی مادی و معنوی است در این مورد قرآن می گوید « وابتغ فی ما انک الله الدار الاخره و لاتنس نصیبک من الدنیا (۳) ».

۵ - آزادی انسان . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

انسان مخلوقی است آزاد که می تواند خود را آنطور که می خواهد تربیت کند و تعلیم بدهد البته در این مورد فلاسفه اسلام بدو دسته شده اند : اشاعره و معتزله .

ولی اصل آزادی و اختیار بشر با فلسفه اسلام بیشتر سازگار است .

۱ - برای بررسی این مطلب رجوع شود به سوره ۱۵ آیه ۴۰ یا بحار ج ۲ ص ۸۷ و ۸۸ و نهج البلاغه ملافتح الله ص ۳۷

2 - W . Olestersmiths Education - plo (C.B. 1969 )

آیات و احادیث متعدد حریت تشریحی بشر را کاملاً تأیید می‌کنند (۱)  
 ۶ - شمول و کلیت آموزش اسلامی

از احادیث و متون دینی استفاده می‌شود که آموزش و پرورش اسلامی تنها آموزشهای مذهبی و دینی نیست. «الحکمة ضالة المؤمن فخذوا بالحکمة ولو من اهل النفاق» (۲) و «اطلبوا العلم ولو بالصلین» و متون مشابه شان دهنده شمول و کلیت آموزش اسلامی است چون آموزش دینی و مذهبی را از اهل نفاق و از چین نمی‌توان کسب کرد (۳).

۷ - آموزش و پرورش برای زندگی .

در اسلام بین آموزش و پرورش و زندگی خط فاصلی وجود ندارد. مجدداً متون قبل و متون متعدد دیگر نشان دهنده این اصل است. در این متون تحصیل علم از طریق غیر اسلامی و سنتی ترغیب شده است. تلفیق بین جنبه‌های مادی و معنوی و جسمانی و روحانی در اسلام بطوری که نمی‌توان دستوری مادی در اسلام پیدا کرد که خالی از جنبه معنوی باشد و برعکس نمی‌تواند عبادتی را در نظر گرفت که خالی از مصالح مادی باشد می‌تواند بروشن کردن اصل پیشنهادی کمک کند .

البته بایستی توجه شود که مادیت در اسلام هیچگاه اصالت ندارد و همیشه بصورت وسیله برای معنویت مورد توجه قرار گرفته است ولی این مسئله مانع از توجه اسلام به مادیت هر چند بمنوان وسیله نشده است با این ترتیب آموزش و پرورش برای زندگی در اسلام تا اندازه‌ای مورد توجه است که گفته شده است «من لامعاش له لامعاده» . (ادامه دارد)

۱ - برای بررسی آزادی بشر از نظام اسلام رجوع شود به سوره ۷۶ آیه ۲ و ۳ سوره ۲۴ آیه ۲۱ سوره ۶ آیه ۵۳ سوره ۹۱ و آیات متعدد در مورد آزادی بشر و برای توضیح بیشتر این مطلب رجوع شود به التریبیه - الاسلامیه تألیف محمد قطب (چاپ مصر)

۲ - نهج البلاغه ، کشف المطالب نهج البلاغه - ماده الحکمه .

۳ - لازم است مجدداً تأکید شود که مقصود جاهلیت ، شمول ، عمومیت و پوشش همه جانبه آموزش و پرورش اسلامی است بطوری که تنها منحصر در آموزشهای اعتقادی ، مذهبی و دینی نباشد و درصدد آن نیستیم کسه آموزش اسلامی را در آموزشهای مادی و یا غیردینی محدود نماییم .